

# درنگی در زندگی رباب بنت امرء القیس کلبی

فضل علی قزوینی  
ترجمه: محمدحسین خوشنویس

## چکیده

رباب بنت امرء القیس، همسر امام حسین علیه السلام است که در کربلا حضور داشت و سپس همراه اسیران به کوفه و شام برده شد. پدرش، امرء القیس بن عدی کلبی، در زمان خلافت خلیفه دوم به مدینه رفت و مسلمان شد و در ملاقاتی با امیر مؤمنان علیه السلام رباب را به تزویج حسین بن علی علیه السلام درآورد. عبدالله و سکینه ثمره این ازدواج مبارک‌اند.

پس از شهادت امام حسین علیه السلام، رباب در سوگ شهادت آن حضرت مرثیه خواند و یک سال در کنار مرقده ایشان اقامت گزید و سپس به مدینه بازگشت و بی‌درنگ درگذشت. در این نوشتار زندگی این بانوی کربلایی به اختصار بررسی می‌شود.

**واژگان کلیدی:** حسین بن علی علیه السلام، رباب، امرء القیس کلبی، کربلا، مدینه.

## مقدمه

اموری که موجب شد امام حسین علیه السلام خانواده‌اش را همراه خود به کربلا ببرد عبارت‌اند از:

نخست: امام حسین علیه السلام در پاسخ به اعتراض ابن عباس که گفت چرا زن و بچه را همراه خود می‌برید، فرمود: «خدا دوست دارد که آنها را اسیر ببیند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴، ص ۳۶۴). این، سبب حقیقی، واقعی و معنوی است و آنچه ما می‌گوییم، سبب عرفی و عادی است. دوم: سید بن طاووس می‌نویسد:

اگر امام حسین علیه السلام خانواده‌اش را در حجاز یا در شهر دیگری تنها می‌گذاشت، یزید آنها را دستگیر می‌کرد و ابزاری برای فشار بر امام حسین علیه السلام، و مانع قیام و جهاد آن حضرت می‌شد. (ابن طاووس، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۴۲)

سوم: امام حسین علیه السلام می‌دانست که اسارت خانواده‌اش معجزات و کرامات زیادی در پی خواهد داشت و مایه هدایت بسیاری خواهد شد.

در این مقاله درباره بزرگ بانوی کربلا، جناب رباب علیها السلام، به این مطالب اشاره می‌شود: در برخی نقل‌ها حسب و نسب او را به اشتباه ذکر کرده‌اند. جناب رباب، بنا به نقلی، تا یک سال در کنار مرقد امام حسین علیه السلام ماند و در طول این مدت، روزها زیر سقف نمی‌رفت؛ بلکه در زیر تیغ آفتاب می‌نشست و برای مظلومیت امام حسین علیه السلام گریه می‌کرد. روح مطهر او یک سال پس از واقعه کربلا به ملکوت اعلی پیوست و به دیدار معشوقش شتافت.

## شناخت‌نامه رباب

در تاریخ از چند امرء القیس نام برده شده است: یکی سلیمان بن حجر کندی، معروف‌ترین شاعر دوران جاهلیت است که نسبش به پادشاهان کنده از اهالی نجد می‌رسد و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره‌اش فرمود: «امرء القیس سرگروه شاعران جهنمی است».

(قزوینی، ۱۳۶۷ق، ج ۳، ص ۳۶ به نقل از مسند احمد) او در دوران جاهلیت و در حال کفر از دنیا رفت؛ دیگری امرء القیس بن عابس بن منذر کنندی، از نوادگان امرء القیس بن عمر بن معاویه، از شاعران دوران جاهلیت است که دوران اسلام را نیز درک کرد و شیخ طوسی او را از اصحاب رسول خدا ﷺ دانسته است (طوسی، ۱۳۸۱ق، ص ۷)؛  
سومی امرء القیس بن اصبع کلبی، صحابی پیامبر ﷺ است که حضرت او را برای تبلیغ به سوی طائفه کلب فرستاد.

اما پدر جناب رباب امرء القیس بن عدی مرداس کلبی است که نصرانی بود. در کتاب الاغانی به نقل از عوف بن خارجه آمده است:

در زمان خلافت خلیفه دوم به مدینه رفت و مسلمان شد. در ملاقاتی که با امیر مؤمنان و حسنین علیهم السلام داشت، حضرت به او فرمود: «من علی بن ابی طالب، پسر عموی رسول خدا و داماد او هستم و این دو پسر من از دختر پیامبرند و ما دوست داریم با شما وصلت کنیم». امرء القیس عرض کرد: آقا جان این دو دختر من، کنیز شما هستند. این سلمی برای پسر بزرگ شما، حسن، و این رباب برای پسر کوچک تر شما، حسین باشد. عوف می گوید: شب نشده بود که امیر مؤمنان، رباب دختر امرء القیس را به تزویج حسین علیه السلام درآورد و نتیجه این ازدواج، عبدالله و سکینه (آمنه) بود (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۱۹).

هشام کلبی، تاریخ نگار مشهور (متوفای ۲۰۴ ق) می گوید: «رباب از بهترین زنان بود». در برخی کتاب ها نام او را ربابه گفته اند که اشتباه است. صاحب تذکره می گوید: «امام حسین علیه السلام جناب رباب را بسیار دوست می داشت» (ابن جوزی، ۱۳۸۳ق، ص ۲۶۵).  
امام حسین علیه السلام در یک دو بیتی از جناب رباب تمجید کرد و فرمود:

به جانم قسم که خانه ای را که در آن رباب و سکینه باشند، دوست دارم. من این دو تن را دوست دارم و حاضر تمام اموالم را در راه آنان بیخشم و بر کسی که مرا در این مورد سرزنش می کند، سرزنشی نیست؛ [چون آنان را نمی شناسد].

همه مورخان، ارباب مقاتل و محدثان اجماع دارند که این جملات از امام حسین علیه السلام است که درباره دخترش سکینه و همسرش رباب فرموده است. این نقل به حد استفاضه رسیده است و چه بسا بتوان درباره آن ادعای تواتر کرد.

در کتاب اغانی به استناد مالک بن اعین آمده است: «از سکینه، دختر امام حسین علیه السلام، شنیدم که می گفت: در صحبتی که پدرم با عمویم، حضرت مجتبی علیه السلام، داشت، چنین مطالبی را گفته اند...».

این نقل عجیب است؛ چون بنا بر آنچه اغانی می گوید، جناب سکینه به وقت شنیدن این سخن از پدر باید دست کم چهارده سال داشته باشد؛ در حالی که جناب فاطمه، دختر دیگر رباب که از سکینه بزرگ تر است، در کربلا بیشتر از دوازده سال نداشته است.

در تذکرة الخواص این بیت نیز به آن دو بیتی که از امام حسین علیه السلام نقل شد، افزوده شده است: «قسم به تمام عمرم که تا وقتی زنده ام و در میان خاک پنهان نشده ام، برای سرزنش کنندگان فرمانبر نخواهم بود» که به نظر می رسد از اغانی الهام گرفته و البته با تفاوت، نقل کرده است و در نقل اغانی آمده است: «قسم به تمام عمرم که تا وقتی زنده ام و در میان خاک پنهان نشده ام، ضایع کننده حق آنها، حتی اگر در کنارم نباشند، نخواهم بود».

### نسب جناب رباب

بیشتر تاریخ نگاران و راویان شیعی و سنی بر آن اند که جناب رباب از طایفه کلیبه بوده است. ولی از اموی مروانی در اغانی نقل شده است که رباب دختر امرء القیس بن عدی بن کعب بن مرة بن ثعلبة بن عمران بن الحاف بن علیم بن کلیب بوده؛ پس، از طرف مادر کلیبه است و از طرف پدر قضاعی و این خلاف چیزی است که اکثراً به آن تصریح کرده اند. البته گویا اشتباهی در بین باشد؛ چون قضاعیه مادر جعفر ابن حسین است.

آنچه در بیانات راویان حدیث و تاریخ‌نگاران مشهور بدان تصریح شده، این است که کلیه‌ای که همسر حضرت حسین علیه السلام است، همان جناب رباب می‌باشد و در قمقام، جنات و کتاب‌های دیگر به این مطلب اشاره شده است. ولی نویسنده کتاب اربعین بر آن است که کلیه خانمی غیر از جناب رباب است و این اشتباه، از جست‌وجو نکردن در منابع یا عجله در نقل نشئت گرفته است.

عجیب اینکه امامی در جنات الخلود از رباب دیگری به عنوان همسر امام حسین علیه السلام یاد می‌کند که دختر عروه بن مسعود ثقفی است و این اشتباه یا از جانب خود اوست، یا از جانب نساخان؛ چون بانوی ثقفیه همان آمنه است که کنیه‌اش ام لیلی بوده است.

### سرگذشت

اجماع بر این است که جناب رباب همراه اسیران به شام برده شد. در تذکره آمده است:

رباب، دختر امرء القیس، همسر امام حسین علیه السلام در مجلس ابن زیاد سر مقدس حضرت را برداشت و در آغوش گرفت و آن را بوسید و چنین عرضه داشت: «ای وای حسین جان، من حسین را هیچ‌گاه فراموش نخواهم کرد. کسی که نیزه‌های دشمنان در پی او بودند و او را تنها روی خاک کربلا رها کردند» (ابن جوزی، ۱۳۸۳ق، ص ۲۶۰).

در معجم البلدان این بیانات به جناب عاتکه، همسر دیگر حضرت حسین علیه السلام نسبت داده شده است (باقوت حموی، ۱۳۸۸ق، ج ۴، ص ۴۴۵). ولی مشهور همان نقل قبلی است. در آغانی و الکامل فی التاریخ آمده است که جناب رباب برای حضرت حسین علیه السلام مرثیه‌ای خواند و چنین عرضه داشت:

آن کسی که تمام وجودش نور بود که همگان از روشنایی‌اش بهره‌مند می‌شدند، پیکرش روی خاک کربلا بی‌جان افتاد و دفن نشد.  
ای نوه پیامبر، خدا از طرف ما به شما جزای خیر بدهد و مصیبت‌های وارد شده بر شما را برای ما زیبا گرداند.

و تو ای حسین، برای من کوه باعظمتی بودی که من به آن پناه می‌بردم، و تو با ما از روی رحم و مروت و دیانت رفتار می‌کردی.

چه کسی برای یتیمان پدری کند و چه کسی پرسش پرسش کنندگان را پاسخ دهد و چه کسی بیچارگان را بی‌نیاز کند و پناه دهد؟  
به خدا قسم که تا وقتی زنده هستم دیگر از میان مردان شما همسری انتخاب نخواهم کرد.

راویان می‌گویند که یزید و تعدادی از بزرگان قریش از جناب رباب خواستگاری کردند، ولی او در پاسخ به آنها فرمود: «به خدا قسم که بعد از وصلت با خاندان پیامبر ﷺ همسر دیگری انتخاب نخواهم کرد». براساس برخی نقل‌ها بعد از واقعه کربلا و شهادت امام حسین علیه السلام، جناب رباب تنها یک سال زنده بود و سپس با دلی لبریز از غصه از دنیا رفت. او در طول این یک سال هرگز زیر سایه نرفت و همواره در آفتاب بود (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۱۵؛ ابن اثیر جزری، ۱۳۹۹ق، ج ۴، ص ۸۸).

تنها در الکامل فی التاریخ آمده است که جناب رباب علیه السلام یک سال در کنار مرقد حضرت حسین علیه السلام اقامت گزید و سپس به مدینه بازگشت و به دلیل ناراحتی فراوان از دنیا رفت که البته مشهور، همان نقل قبلی است. در کتاب کافی به نقل از ابن مصقله طحّان آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود:

به رباب پرنده‌ای اهدا شد که نوای غم‌انگیزی داشت و می‌توانست در ایجاد فضای حزن برای عزای امام حسین علیه السلام کمک کند. جناب رباب که این پرنده را دید فرمود: «این پرنده برای چیست؟»

پاسخ دادند: «پرنده‌ای است که فلان شخص هدیه فرستاده تا در عزای حضرت حسین علیه السلام نغمه‌سرای کند».

جناب رباب فرمود: «ما که در جشن و عروسی نیستیم. با آن کاری نداریم». سپس دستور داد که آن را از خانه بیرون ببرند، پس از آن که آنها را بیرون بردند دیگر هیچ اثری از آن دیده نشد؛ گویا به آسمان رفت (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۴۶۶).

## توضیح

در مجمع البحرین آمده است: «در حدیث آمده که یک جون به جناب رباب اهدا شد. [جون] گونه‌ای از پرنده است که شکم و بال‌های سیاه دارد. جون به فتح جیم به سیاه سفید گفته می‌شود» (طریحی، ۱۳۹۹ق، ج ۱، ص ۴۳۳). مانند این مطلب در صحاح نیز آمده است (جوهری، ۱۳۷۵ق، ج ۵، ص ۲۰۹۶).

ظاهراً جون به ضم جیم است که در قاموس المحيط آمده است. او می‌گوید: جونی به ضم جیم و با یای نسبت، گونه‌ای پرنده است و وزن قیاسی آن جُون به ضم جیم و واو، یا جُون به ضم جیم و فتح واو است. بله، اگر جون به فتح جیم باشد، جمع قیاسی آن جُون می‌شود؛ مثل بُدور که جمع بدر است (فیروزآبادی، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۱۱).

عجیب آنکه مرحوم مجلسی در توضیح روایت می‌فرماید: «شاید ناپدید شدن این پرندگان معجزه بوده و امکان دارد که آن اساساً فرشته بوده باشد». البته مرحوم مجلسی به آنچه می‌گوید از ما آگاه‌تر است.

در نهایت جناب رباب آن‌قدر گریست تا از دنیا رفت؛ درحالی‌که همان لباس‌های اسارت بر تنش بود و این لباس‌ها از شدت گریه به بدن ایشان چسبیده بود و با پوست بدن یکی شده بود و وقتی می‌خواستند پیکر شریف ایشان را غسل بدهند، هنگام درآوردن لباس، بخش‌هایی از پوست و گوشت بدن مبارکش جدا می‌شد. سلام خدا بر ایشان (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۵، ص ۱۷۱).

## جناب رباب در بیان بزرگان

در کتاب شریف کافی به نقل از علی بن محمد از سهل بن زیاد از محمد بن احمد از حسین بن علی از یونس بن مصقله طحان آمده است که می‌گوید:  
از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: وقتی امام حسین علیه السلام به شهادت رسید همسر کلیبه‌اش عزاخانه‌ای در کنار مزارش برپا کرد و شب و روز بر مصیبت ایشان

می‌گریست و زنان اطرافش و خدمه‌اش را به گریه می‌انداخت. آنها آن‌قدر گریه کردند که اشکشان خشک شد.

در این بین دیدند که دخترکی از کنیزان حضرت همچنان گریه می‌کند و اشک می‌ریزد. او را به نزد همسر حضرت فرا خواندند. رباب از او پرسید که چطور اشک تو هنوز خشک نشده؟

او عرض کرد: «من وقتی دچار خشکی چشم شدم، مقداری سوویق خوردم». امام صادق علیه السلام فرمود: «رباب دستور داد تا سوویق آماده کنند و از آن به همگی دادند و همه خوردند».

سپس امام صادق علیه السلام فرمود: «ما به این وسیله می‌خواهیم بر گریه برای امام حسین علیه السلام قدرت پیدا کنیم (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۲، ص ۴۶۶).

این تمام چیزی است که از تاریخ این بانوی گرامی به دست ما رسیده است. براساس آنچه بیان شد شیعیان باید این بانوی گرامی را از دو جهت مورد احترام قرار دهند: یکی از جهت شخصیت خود ایشان و دیگری که مهم‌تر است از جهت محبتی است که امام حسین علیه السلام به ایشان داشته است.



## فهرست منابع

۱. ابن اثیر جزری، علی بن محمد (۱۳۹۹ق)، الكامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر.
۲. ابن جوزی، یوسف بن قزاوغلی (۱۳۸۳ق)، تذکرة الخواص، نجف اشرف، چاپخانه حیدری.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۴ق)، اللهوف علی قتلى الطفوف، تحقیق شیخ فارس تبریزیان، تهران، دارالاسوة.
۴. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین (۱۴۱۵ق)، الاغانی، چاپ قاهره.
۵. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۵ق)، صحاح اللغة، به تحقیق احمد عبدالغفور عطار، قاهره، دارالکتب العربی.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، وسائل الشیعة، تحقیق مؤسسه آل البيت، قم.
۷. سیوطی، جلال الدین (بی تا)، الدر المثور، بیروت، دار الفکر.
۸. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۸ش)، عیون اخبار الرضا، قم، منشورات رضی.
۹. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۸ق)، مجمع البحرین، تحقیق سیداحمد حسینی، بیروت، دار الفکر.
۱۰. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۱ق)، رجال، تحقیق سیدمحمدصادق بحر العلوم، نجف اشرف.
۱۱. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (بی تا)، القاموس المحيط، قاهره، مؤسسه فن الطباعة.
۱۲. قاجار، فرهاد میرزا (۱۴۲۳ق)، قمقام زخار، ترجمه محمد شعاع فاخر، قم، مکتبه الحیدریه.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸ق)، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۴. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۱۵. یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۳۸۸ق)، معجم البلدان، بیروت، دار صادر.